



Original Paper

Article History:

Received: 3 April 2024

Revised: 8 May 2024

Accepted: 28 May 2024

Published Online: 21 June 2024

Organized Crime: A Threat to Human Rights

Fereshteh Banafi (Corresponding Author)

Department of International law, Faculty of Law, Booshehr Branch, Islamic Azad University, Booshehr, Iran.

E-Mail: fereshtehbanafi@yahoo.com

Abstract

Organized crime poses a potential threat to human rights and undermines human dignity and justice. The criminal network, powered by poverty, weak governance and digital borders, exploits human vulnerabilities as a tool for its illegal activities. This threat has also spread to the digital world, where cybercrime and identity theft destroy privacy and freedom. It must be acknowledged that the roots of this crisis lie in a complex network of socio-economic inequalities, lax legal frameworks and corrupt structures, and therefore, their entry into society, combating and confronting them require extensive measures. In this regard, the question arises as to how organized crime affects human rights standards and what measures can be taken to protect human rights in the fight against organized crime. In response, the first step can be to strengthen the legal framework, empower law enforcement and security forces and fairly address fundamental injustices. International cooperation and the creation of a culture of transparency and accountability can be the second step in this battle. It also requires constant vigilance, relentless efforts to achieve justice and a more effective society in the face of organized crime. This research, using a descriptive-analytical approach, reveals the harsh reality of the destructive impact of organized crime on human rights from its historical roots to its modern incarnations, and concludes that confronting human rights violations by organized crime requires a comprehensive approach that addresses the root causes, strengthens institutions, and empowers societies. Therefore, promoting accountability, justice, and human dignity makes it possible to create a world free from organized crime, in which the fundamental rights of all are protected.

Keywords: Organized crime, change, human rights, socio-economic inequalities, legal frameworks.

Citation: Banafi, F. (2024). Organized Crime: A Threat to Human Rights. Journal of Islamic Wisdom and Law, 1 (2), 122-134. Doi: 10.71844/iwl.2024.1218821

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.





دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق
ناشر: دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد
دوره ۱، شماره ۲، پاییز- زمستان ۱۴۰۳
Sanad.iau.ir/journal/iwl
Doi: 10.71844/iwl.2024.1218821



مقاله پژوهشی

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۳۱

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۰/۰۱

جرائم سازمان یافته؛ تهدیدی برای حقوق بشر

فرشته بنافی

گروه حقوق بین الملل، دانشکده حقوق، واحد بوشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، بوشهر، ایران.

fereshtehbanafi@yahoo.com

چکیده

جرائم سازمان یافته تهدیدی بالقوه برای حقوق بشر می باشد و کرامت انسانی و عدالت را در تنگنا قرار داده است. شبکه جنایی با نیروی فقر، حکومتداری ضعیف و مرزهای دیجیتال، از نقاط ضعف انسانی به عنوان ابزاری در حرکت های غیرقانونی خود استفاده می کند. این تهدید به دنیای دیجیتال نیز سرایت نموده و جرائم سایبری و سرقت هویت، حریم خصوصی و آزادی را از بین می برند. باید اذعان نمود که ریشه های این بحران در شبکه ای پیچیده از نابرابری های اجتماعی-اقتصادی، چهارچوب های قانونی سهل انگارانه و ساختارهای فاسد می باشد و لذا، ورود آنها به جامعه، مبارزه و مقابله با آنها نیازمند اقداماتی گسترده است. در همین راستا، این پرسش مطرح می گردد که جرائم سازمان یافته چگونه بر موازین حقوق بشری تاثیر می گذارند و چه تمهیداتی جهت حمایت از حقوق بشر در مبارزه با جرائم سازمان یافته می توان اتخاذ نمود. در پاسخ می توان اولین اقدام را تقویت چهارچوب قانونی، توانمندسازی نیروهای انتظامی و امنیتی و رسیدگی منصفانه به بی عدالتی های اساسی دانست. همکاری بین المللی و ایجاد فرهنگ شفافیت و پاسخگویی، می توانند گام دوم در این نبرد باشند. همچنین، این امر ضرورت هوشیاری مداوم، تلاش بی وقفه در راستای رسیدن به عدالت و جامعه ای کارآمدتر در مواجهه با جرائم سازمان یافته را مطالبه می نماید. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی حقیقت تلخ تاثیر مخرب جرائم سازمان یافته بر حقوق بشر را از ریشه های تاریخی تا تجسم های مدرن آن آشکار می کند و به این نتیجه می رسد که مقابله با نقض حقوق بشر توسط جرائم سازمان یافته، نیازمند رویکردی همه جانبه است تا به علل اساسی بپردازد، نهادها را تقویت کند و جوامع را توانمند سازد. بنابراین، ارتقای پاسخگویی، عدالت و کرامت انسانی این امکان را فراهم می آورد تا جهانی عاری از جرائم سازمان یافته ایجاد گردد که در آن حقوق اساسی همگان حافظت شود.

کلمات کلیدی: جرائم سازمان یافته، نقض، حقوق بشر، نابرابری های اجتماعی - اقتصادی، چهارچوب های قانونی.

نحوه ارجاع به مقاله:

بنافی، فرشته (۱۴۰۳). جرائم سازمان یافته؛ تهدیدی برای حقوق بشر. دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق. ۱ (۲)، ۱۲۲-۱۳۴.

Doi: 10.71844/iwl.2024.1218821

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to Journal of Islamic Wisdom and Law. This is an open – access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



مقدمه

برای شناخت پیامدهای مرتبط با نقض حقوق بشر ضرورت دارد تا پیشینه تاریخی و بسترهای جرائم سازمان یافته مورد شناسایی قرار گیرند. جوهره تلاش‌های جهانی برای حفاظت و حمایت از حقوق بشر در قواعد بین‌المللی حقوق بشر نهفته است. جرم سازمان یافته یک پدیده تاریخی است که می‌توان ریشه‌های آن را در تمدن‌های باستانی بشر جستجو نمود، این پدیده شوم همراه با توسعه و تغییرات در جامعه تغییر شکل داده است. جرم سازمان یافته پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی است که تهدیدی جدی برای صلح و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. این جرم به یک پدیده پیچیده و بین‌المللی تبدیل شده است که با عبور از مرزهای جغرافیایی از نقایص نظام حکومتها سوءاستفاده کرده و حقوق بنیادین افراد و جوامع انسانی را توسط قاچاق، اخاذی، خشونت و فساد تهدید می‌نماید. قربانیان جرائم سازمان یافته اغلب زنان، کودکان و اقلیت‌هایی هستند که در کار اجباری، استثمار و آوارگی گرفتار می‌شوند. گروه‌های جنایی سازمان یافته با موفقیت خود را با محیط اجتماعی-سیاسی همواره در حال تغییر وفق داده‌اند و از نوآوری‌های تکنولوژیکی و جهانی شدن برای افزایش عملیات و قدرت خود بهره می‌برند. ایجاد شبکه‌های جرایم سازمان یافته همچنین به عوامل اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و فرهنگی وابسته است. نابرابری‌های اقتصادی، بی‌ثباتی سیاسی، حاکمیت ضعیف قانون و بیگانگی اجتماعی، بسترهای مساعدی برای رشد و توسعه فعالیت‌های مجرمانه هستند. سازمان‌های جنایی سازمان یافته دائماً تغییر می‌کنند و با ابتکارات اجرایی پلیس سازگار می‌شوند. علاوه بر این، فساد، تبانی با بازیگران دولتی و اقتصاد غیرقانونی، نفوذ جرایم سازمان یافته را در بخش‌های مختلف جامعه مانند سیاست، تجارت و مجریان قانون تشدید می‌کند. در همین راستا، تلاقی بین جرایم سازمان یافته و حقوق بشر نیز بسیار عمیق و فراگیر است. نقض سیستماتیک حقوق و آزادی‌های اساسی از طریق فعالیت‌های مجرمانه از جمله قاچاق، اخاذی، فساد و خشونت، ایجاد رعب و ترس، استثمار و بی‌عدالتی را تداوم می‌بخشد. قربانیان جرایم سازمان یافته در معرض نقض جدی حق حیات، آزادی و امنیت و همچنین کرامتشان قرار دارند و با اجبار، تهدید و خشونت روبرو هستند. با وجود این، بسترهای اجتماعی و سیاسی گسترده‌تری را که جرایم سازمان یافته در آن فعال است باید شناسایی نمود تا بتوان به طور مؤثر به اثرات نامطلوب آن بر حقوق بشر و رفاه جامعه عکس العمل نشان داد. این امر مستلزم یک رویکرد چندوجهی است که متضمن مداخلات قانونی، اجرای قانون مناسب، مسائل اجتماعی و اقتصادی می‌شود. کشورها می‌توانند از طریق پرداختن به علل اساسی ایجاد جرائم سازمان یافته، ایجاد نهادها، شفافیت و توسعه همکاری‌های بین‌المللی، اثرات منفی جرایم سازمان یافته بر حقوق بشر را کاهش داده و فرهنگ مسئولیت‌پذیری، عدالت و انسانیت را بسط دهند و تنها در این صورت است که می‌توان از تاریکی بی‌عدالتی عبور و به حقوق بشر واقعی دست یافت. پژوهش حاضر، در مباحث پیش روی به تعریف این جرائم و پیشینه تاریخی و چهارچوب زمینه‌ای آنها و همچنین تاثیر جرائم سازمان یافته بر موازین حقوق بشری و تمهیدات لازم جهت حمایت از حقوق بشر در مبارزه با جرائم سازمان یافته پرداخته است و نقطه شروعی برای تحلیل عمیق‌تر تعامل پیچیده بین جرایم سازمان یافته و نقض حقوق بشر ارائه و بر لزوم اقدام جمعی برای مبارزه با تهدیدات پیچیده جرایم سازمان یافته و احترام به ارزش‌های جهانی حقوق بشر تأکید می‌نماید.

۱. تعریف جرم‌های سازمان یافته

کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی^۱ مهمترین سند بین‌المللی جهت مقابله با جرائم سازمان یافته‌ی فراملی می‌باشد. کنوانسیون مزبور تعریفی از جرایم سازمان یافته ارائه نمی‌دهد و صرفاً به بیان مصادیق می‌پردازد. با وجود این، سازمان بین‌المللی غیردولتی ابتکار جهانی علیه جرایم سازمان یافته^۲ این جرم را چنین تعریف می‌نماید: «فعالیت‌های غیرقانونی، انجام شده توسط گروه‌ها یا شبکه‌هایی که به طور هماهنگ، با مشارکت در خشونت، فساد یا فعالیت‌های مرتبط به منظور کسب مستقیم یا غیرمستقیم منفعت مالی یا مادی، انجام می‌شوند.» در حقیقت، جرم سازمان یافته فعالیت مجرمانه است که به روش‌های ساختاریافته و سیستماتیک انجام می‌گردد و در آن بسیاری از افراد یا گروه‌ها برای کسب منفعت غیرقانونی با کنترل بازارها یا سرزمین‌های خاص گرد هم می‌آیند. این

^۱ . United Nations Convention against Transnational Organized Crime (UNTOC called the Palermo Convention), 2000

^۲ . The Global Initiative Against Transnational Organized Crime (GI-TOC), 2020, Geneva

فعالیت‌های مجرمانه متضمن اخاذی، قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، قاچاق اسلحه، پولشویی و جرایم سایبری است. این عملیات معمولاً در مقیاس بزرگ انجام می‌شود و ممکن است از مرزهای ملی عبور کند. جرم سازمان‌یافته برای دستیابی به حداکثر منفعت، به شدت به پنهان‌کاری، فساد و خشونت وابسته است، قانون را دور می‌زند و سیستم‌های قانونی را به فساد می‌کشاند. در این تعریف از جرم سازمان‌یافته، توانایی آن جهت تغییر و سازگاری حتی تحت فشار شدید اجرای قانون به رسمیت شناخته شده است، زیرا سازمان‌های جنایی همیشه روش‌ها و رویکردهای خود را تنظیم می‌کنند تا از فرصت‌های جدید سوء استفاده کرده یا از مقررات فرار کنند.

۲. تلاقی جرایم سازمان‌یافته با نقض حقوق بشر

جرایم سازمان‌یافته و تهدید حقوق بشر زمانی تلاقی می‌نمایند که فعالیت‌های گروه‌های مرتکب جرایم سازمان‌یافته به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر حقوق و آزادی‌های اساسی بشر تأثیر گذارند. مواردی که منجر به تهدید حقوق بشر ناشی از جرایم سازمان‌یافته می‌گردند عبارتند از خشونت، اجبار، استثمار و فساد. همچنین، گروه‌های مرتکب جرایم سازمان‌یافته، قواعد حقوق بشر را در این موارد تهدید می‌نمایند: قاچاق افراد برای کار اجباری یا استثمار جنسی، جذب کودکان در سازمان‌های جنایی، اخاذی از افراد و مشاغل و نفوذ در ساختارهای سیاسی و قضایی. گروه‌های آسیب‌پذیر مانند مهاجران، پناهندگان، زنان، کودکان و حاشیه‌نشین‌ها توسط باندهای جرایم سازمان‌یافته مورد سوءاستفاده قرار گرفته و در نتیجه نابرابری‌ها افزایش یافته و چرخه‌های فقر مستقر می‌ماند. ارتباط بین جرایم سازمان‌یافته و تهدید حقوق بشر، اهمیت واکنش‌های جامع و مبتنی بر حقوق را برای مقابله با ریشه‌های جرم، حفظ آزادی‌های اساسی قربانیان و مجازات مسئولان برجسته می‌نماید. بعنوان مثال می‌توان به قاچاق انسان در کشورهای اروپای شرقی به ویژه در شرایط کنونی اوکراین اشاره نمود. قاچاق انسان، نقض فاحش حقوق بشر، از جمله حق آزادی، کرامت و امنیت شخصی را به همراه دارد و «محل تلاقی سه شاخه از حقوق بین‌الملل می‌باشد: حقوق بین‌الملل بشر، حقوق کیفری بین‌المللی و حقوق کیفری فراملی» (Obokata 2006: 165-174). قربانیان قاچاق از استقلال خود محروم شده و در معرض اجبار جسمی و روانی و سوءاستفاده قرار می‌گیرند (Srikantiah, 2007: 174). آنها معمولاً مجبور به کار در محیط‌های پرخطر، حملات جنسی و عوارض جسمی و روانی هستند. قربانیان قاچاق به دلیل ترس از انتقام، ندانستن زبان و عدم آگاهی از حقوق خود در روند عدالت و حمایت با مشکل مواجه هستند. قاچاق انسان نه تنها قربانیان را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ بلکه تأثیر گسترده‌تری بر جوامع و کل بشریت دارد. قاچاق، وحدت اجتماعی را تضعیف می‌کند، اعتماد به نهادها را کاهش می‌دهد و الگوهای فقر و سوءاستفاده را تقویت می‌کند. کالا شدن انسان‌ها برای شبکه‌های قاچاق دارای منفعت می‌باشد، فرهنگ مصونیت از مجازات را پرورش می‌دهد و روابط قدرت را تقویت می‌کند. انگ‌های اجتماعی، آسیب‌پذیری اقتصادی و افزایش آسیب‌پذیری در برابر استثمار از ویژگی‌های بارز جوامعی است که تحت تأثیر قاچاق قرار گرفته‌اند. اثرات قاچاق بعنوان جرمی سازمان‌یافته در درازمدت ممکن است منجر به آسیب‌های روحی، سوءمصرف مواد، فروپاشی خانواده و الگوهای استثمار بین نسلی شود که باعث تداوم چرخه آسیب‌پذیری و قربانی شدن می‌گردد.

جرائم رایانه‌ای و سرقت هویت، جرائم سازمان‌یافته دیگری هستند که می‌توانند بستری برای تهدید و در نتیجه نقض حقوق بشر فراهم آورند. پیشرفت تکنولوژی، جهانی شدن و ارتباطات منجر به شیوع جرایم سایبری و سرقت هویت گردیده است. باندهای جرایم سازمان‌یافته از نقص‌های موجود در پلتفرم‌های آنلاین و سیستم‌های دیجیتال برای ارتکاب جرایم بی‌شماری از جمله سرقت هویت، کلاهبرداری مالی، فیشینگ و حملات بدافزارها استفاده می‌کنند. ظهور فضای مجازی، مجرمان سایبری را قادر ساخته است تا به صورت ناشناس و بدون در نظر گرفتن مرزها فعالیت کنند و چالش‌های بزرگی را برای پلیس و مقررات ایجاد نمایند که در نتیجه آن، به حریم خصوصی، امنیت و آزادی بیان افراد بعنوان حقوقی بشری تعدی می‌گردد. خطراتی که قربانیان جرایم سایبری با آن مواجه هستند شامل سرقت هویت، ضرر مالی، آسیب به اعتبار و آسیب‌های روانی است. مجرمان سایبری از استراتژی‌های پیشرفته‌ای برای ربودن اطلاعات شخصی، تأثیرگذاری بر رفتار آنلاین و باج‌گیری از افراد برای قرار گرفتن در شرایط خطرناک استفاده می‌کنند و لذا، باعث از دست رفتن اعتماد به پلتفرم‌های آنلاین، تهدید حقوق دیجیتالی و عادی‌سازی شیوه‌های نظارت و کنترل و نقض حق حریم خصوصی افراد بعنوان حقی بشری می‌گردند. جرایم سازمان‌یافته سایبری نه تنها بر افراد، بلکه بر کسب و کارها، دولت‌ها و جوامع به طور کلی تأثیر می‌گذارد. حملات سایبری زیرساخت‌های حیاتی را مختل می‌کنند، ثبات اقتصادی را از بین می‌برند و امنیت ملی را تهدید می‌کنند. جوامعی که

قربانی جرایم سازمان یافته سایبری می‌شوند، آسیب‌پذیری، ترس و بی‌اعتمادی بیشتری در تعاملات آنلاین دارند. شکاف دیجیتالی، نابرابری‌ها را در دسترسی به فناوری و منابع امنیت سایبری افزایش می‌دهد و آسیب‌پذیری افراد به حاشیه رانده شده را در برابر استثمار و قربانی شدن افزایش می‌دهد و در نتیجه باعث نقض قواعد حقوق بشری می‌گردد. ظهور جرایم سایبری چالش‌های پیچیده و زیادی را به وجود می‌آورد که سیاست‌گذاران، مجریان قانون و سازمان‌های مردم‌نهاد که به دنبال حفاظت از حقوق بشر در عصر دیجیتال هستند، باید با آنها دست و پنجه نرم کنند (Wright, Garstka, & Kumar, 2021:93). باید اذعان نمود، نقض حقوق بشر توسط جرایم سازمان‌یافته جنبه‌های مختلفی دارد و برای تدوین پاسخ‌های مؤثر و مبتنی بر حقوق، باید به طور جامع به علل فعالیت‌های مجرمانه و همچنین مظاهر آنها پرداخته شود.

۳. عوامل تهدید حقوق بشر توسط مرتکبین جرایم سازمان یافته

عوامل تهدید حقوق بشر توسط جرایم سازمان یافته را می‌توان در موارد ذیل طبقه‌بندی نمود.

۳-۱ عوامل اجتماعی-اقتصادی

جرایم سازمان یافته، توانایی دولت‌ها در تحقق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را مختل می‌نماید و منابعی را که برای مبارزه با جرایم سازمان یافته و هدف قرار دادن پیامدها و درآمدهای ناشی از فعالیت‌های مجرمانه مانند فساد و جریان‌های مالی غیرقانونی اختصاص داده می‌شود، می‌تواند به شکل بهینه تری برای رفع نیازهای جامعه مورد استفاده قرار دهد. هنگامی که چنین حقوقی، همانند دسترسی به خدمات اجتماعی، مسکن، غذا و غیره تامین نگردد، شکاف بی‌عدالتی و نابرابری ایجاد شده در جامعه، بستر مناسبی برای جرایم سازمان یافته فراهم آورده و برخی گروه‌های خاص به ویژه جوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عوامل اجتماعی-اقتصادی کمک می‌کنند تا محیط و بستری مناسب جهت تهدید و نقض حقوق بشر توسط گروه‌های جرایم سازمان یافته ایجاد شود. استثمار و اجبار توسط شبکه‌های جنایی در کنار فقر، نابرابری و فقدان فرصت‌های اقتصادی رونق می‌گیرد. افرادی که در گروه‌های اجتماعی حاشیه‌ای با سطوح پایین آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و اشتغال وجود دارند، بیشتر از سایر گروه‌های اجتماعی احتمال پیوستن به فعالیت‌های مجرمانه‌ای مانند قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و کار اجباری دارند. محرومیت اجتماعی به دلیل نابرابری‌های اقتصادی عمیق‌تر می‌شود و چرخه‌های فقر و آسیب‌پذیری ادامه می‌یابد و حقوق بشر هر چه بیشتر توسط شبکه‌های جرایم سازمان یافته مورد تهدید قرار می‌گیرد. لذا، پیشگیری از تهدید و نقض قواعد حقوق بشری توسط جرائم سازمان یافته، پاسخی سازمان یافته و نظام مند را مطالبه می‌نماید که این پاسخ می‌تواند در اسناد هماهنگ ملی ارزیابی ریسک مبتنی بر رویکرد ریسک مدار در کشورهای مختلف متبلور شود (سبحانی، ۱۴۰۴: ۱۹۶).

۳-۲ عوامل سیاسی

خشونت ناشی از جرایم سازمان یافته و بعضاً همدستی بازیگران دولتی، توانایی مقامات رسمی کشورها در صیانت، رعایت و تحقق حقوق مدنی و سیاسی شهروندان، به ویژه حق حیات، مشارکت سیاسی، حق آزادی و عدم تبعیض نسبت به اقلیت‌ها و گروه‌های آسیب‌پذیر را تضعیف می‌کند. عوامل سیاسی مانند فساد، حکومتداری ضعیف و بی‌ثباتی سیاسی، پناهگاه امنی برای رشد جرایم سازمان یافته و تهدید حقوق بشر با مصونیت از مجازات را فراهم می‌کنند. فساد در نهادهای سیاسی و نهادهای اجرای قانون، حاکمیت قانون را تضعیف می‌کند، اعتماد عمومی را از بین می‌برد و تبانی بین سندیکاهای جنایی و برخی مأموران دولتی را ممکن می‌سازد. بی‌ثباتی و منازعات سیاسی، پناهگاهی برای گروه‌های جرایم سازمان یافته فراهم می‌کند، زیرا آنها می‌توانند بدون شناسایی شدن، فعالیت‌های شرورانه خود را انجام دهند. جرایم سازمان یافته می‌توانند در نهادهای دولتی نفوذ کنند، نخبگان سیاسی را به همکاری وادارند و در محیط‌هایی که سیستم‌های دموکراتیک ضعیف است یا اصلاً وجود ندارند، بر سیاست‌های عمومی به نفع خود تأثیر گذارند و در نتیجه حقوق بشر را تهدید کنند. در همین راستا، چنانچه دولت‌ها از تعهدات بین‌المللی خود جهت تضمین حقوق بشر در مقابل جرائم سازمان یافته کوتاهی کنند، اجرای حقوق بین الملل از دو طریق دیگر ممکن می‌باشد: نخست، اقامه دعوی توسط سایر دولت‌ها به دلیل نقض تعهدات کنوانسیون مبارزه با جرائم سازمان یافته فراملی و دوم ارسال دادخواست شخصی به دادگاه یا نهاد اجرایی دیگر. گزینه نخست قابلیت جدیدی به عرصه بین

المللی اضافه نکرده است، اما گزینه دوم برخی جنبه‌های انقلابی حقوق بشر بین‌المللی را در قبال جرائم سازمان یافته مطمح نظر قرار می‌دهد. قبل از آغاز این چهارچوب حقوقی، حقوق بین‌الملل صرفاً به عنوان حق انحصاری دولت‌ها و شامل تعهدات دولت به دولت در نظر گرفته می‌شد. افراد فقط به عنوان موضوع حقوق بین‌الملل و نه تابع آن دیده می‌شدند. آنها مورد عمل قرار می‌گرفتند اما هیچ جایگاهی برای اقدام نداشتند و هیچ وظیفه‌ای از سوی دولت‌ها بر عهده آنها نبود. یکی از اهداف اصلی حقوق بشر بین‌الملل این است که به افراد اجازه داده شود تا در این حوزه نفوذ کنند و توانایی کشاندن دولت‌ها به دادگاه را برای احقاق حقوق خود به ویژه در مورد کوتاهی در زمینه جرائم سازمان یافته داشته باشند (Currie & Douglas, 2021: 4).

۳-۳ چالش‌های حقوقی و اجرای قانون

قوانین حقوقی و اجرایی، موانع اصلی پیشگیری از نقض حقوق بشر توسط باند‌های سازمان یافته هستند. فقدان چهارچوب‌های قانونی مناسب، خلأهای قانونی و صدور احکام سبک برای جرایم کیفری، نوعی آزادی برای جرایم سازمان یافته فراهم می‌کند. همچنین، تحقیقات و پیگرد قانونی شبکه‌های پیچیده جنایی دشوار است، زیرا سازمان‌های اجرای قانون معمولاً منابع، آموزش یا ظرفیت کافی در موارد جرایم فراملی و فساد در اختیار ندارند. علاوه بر این، فساد و تبانی بین اعضای اجرای قانون، مانع تلاش‌ها برای مبارزه با جرایم سازمان یافته و همچنین تأمین حقوق بشر می‌شود و در نتیجه، پاسخگویی به قربانیان سوءاستفاده را مختل می‌کند.

۳-۴ جهانی شدن و شبکه‌های جرایم فراملی

جهانی شدن و وابستگی متقابل اقتصادها و جوامع، ظهور شبکه‌های جرایم فراملی را که با بهره‌برداری از خلأهای نظارتی برای فرار از شناسایی و پیگرد قانونی، از مرزها فراتر می‌روند، امکان‌پذیر کرده است. پیشرفت در فناوری، ارتباطات و حمل و نقل، گروه‌های جرایم سازمان یافته را به ایجاد شبکه‌های بین‌المللی برای قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان، معاملات اسلحه و موارد دیگر سوق داده است. شبکه‌های جرایم فراملی از چالش‌های موجود در زنجیره‌های تأمین جهانی، سیستم‌های مالی و پلتفرم‌های دیجیتال برای پولشویی، پنهان کردن دارایی‌ها و حمایت از فعالیت‌های مجرمانه استفاده می‌کنند. با این حال، گسترش جرایم فراملی به دلیل خشونت، فساد و بی‌ثباتی در جوامع در سراسر جهان به نقض بیشتر حقوق بشر منجر می‌شود که صلح، امنیت و کرامت انسانی را تضعیف می‌کند (2008:334, Laplante). تجزیه و تحلیل عواملی که منجر به نقض حقوق بشر توسط جرایم سازمان یافته می‌شوند، برای سیاست‌گذاران، نهادهای متولی اجرای قانون و سازمان‌های مردم نهاد این امکان را فراهم می‌آورد تا استراتژی‌ها و مداخلات بهتری را برای رسیدگی به علل ریشه‌ای جرم و جنایت، تقویت سیستم‌های حقوقی، بهبود توانایی بازیگران ملی در اجرای قانون و همچنین ارتقای همکاری بین‌المللی برای مبارزه با جرایم سازمان یافته ضمن رعایت استانداردها و اصول حقوق بشر طراحی کنند.

۴. موانع و چالش‌های مقابله با نقض حقوق بشر در اثر جرائم سازمان یافته

نقض حقوق بشر تحت تاثیر جرائم سازمان یافته با چالش‌های متعددی روبرو است که در ادامه بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

۴-۱ چالش‌های حقوقی

چالش‌های حقوقی مرتبط با رسیدگی به نقض حقوق بشر توسط جرایم سازمان یافته بسیار زیاد است و شامل مشکل صلاحیت قضایی، مسئله استانداردهای شواهد و پیچیدگی‌های رویه‌ای می‌شود. با این حال، در بیشتر موارد، جرایم سازمان یافته توسط گروه‌های جنایتکار، حوزه‌های قضایی را در بر می‌گیرد و پیگرد قانونی مجرمان و اجرای قانون را دشوار می‌کند. علاوه بر این، چهارچوب‌های قانونی ممکن است برای رسیدگی به اشکال جدید جرایم سازمان یافته مانند جرایم سایبری و قاچاق انسان که نیازمند تخصص و اقدامات هماهنگ هستند، کافی نباشند. سایر موانع حقوقی شامل مسائل مربوط به حق دادرسی عادلانه، آراء عادلانه و حمایت از قربانیان و شاهدان در شرایطی است که فساد یا دخالت سیاسی، بی‌طرفی سیستم‌های قضایی را از بین می‌برد.

۲-۴ چالش‌های مربوط به پیگرد قانونی و اجرای قوانین

پیچیدگی‌های پیگرد قانونی و اجرای قوانین علیه جرایم سازمان‌یافته شامل کمبود منابع، ضعف‌های نهادی و ماهیت شبکه‌های جنایی است. جمع‌آوری شواهد، عملیات نظارتی و هماهنگی تحقیقات فرامرزی می‌تواند چالش‌های لجستیکی را برای مجریان قانون، به‌ویژه در مواردی که شامل فساد و جرایم فراملی است، ایجاد کند. علاوه بر این، باند‌های جرایم سازمان‌یافته از روش‌های مختلفی برای ارباب، تهدید یا رشوه دادن به مجریان قانون استفاده می‌کنند و این امر پیگرد قانونی و صدور حکم در پرونده‌های جنایی را تقریباً غیرممکن می‌کند. کثرت فناوری‌های دیجیتال و استفاده از ارتباطات رمزگذاری شده، صرفاً تلاش برای نظارت بر فعالیت‌های جنایی را پیچیده‌تر و کار را برای دادستان‌ها و سازمان‌های اجرایی دشوارتر می‌سازد.

۳-۴ تأثیرات بر قربانیان و بازماندگان

نقض حقوق بشر توسط جرایم سازمان‌یافته، اثرات عمیق جسمی، عاطفی و روانی بر قربانیان و بازماندگان دارد که تا مدت‌ها پس از توقف سوءاستفاده تداوم دارد. قربانیان پس از تحمل رنج و سختی، از آسیب‌های روحی، اضطراب و افسردگی رنج می‌برند و برای بازگشت به زندگی عادی توأم با امنیت و اطمینان با مشکلات عدیده‌ای مواجه هستند. قربانیان جرائم سازمان‌یافته‌ای همچون قاچاق انسان، کار اجباری و استثمار جنسی، با آسیب‌های جسمی و عوارض سلامت باروری مواجه می‌شوند که وضعیت آنها را با وخامت بیشتری روبرو می‌نماید. علاوه بر این، قربانیان جرائم سازمان‌یافته ممکن است قربانی انگ اجتماعی، تبعیض و طرد شدن از گروه همسالان خود نیز باشند که باعث تشدید احساس انزوا و ناامیدی در آنها می‌گردد.

۴-۴ اثرات روانی و اجتماعی

اثرات روانی و اجتماعی ناشی از نقض حقوق افراد توسط جرائم سازمان‌یافته، فراتر از قربانیان فردی به یک جامعه و کل اجتماع انسانی تسری می‌یابد. جرایم سازمان‌یافته متضمن سطوح بالایی از ترس، سوءظن و ناامنی هستند، زیرا شبکه‌های جنایی، چرخه‌های خشونت، فساد و مصونیت از مجازات را دنبال می‌کنند. جرایم سازمان‌یافته ریشه‌دار، یکپارچگی اجتماعی را تضعیف کرده و روابط اجتماعی و اعتماد به نهادها را از بین می‌برد و به این ترتیب، صلح، امنیت، عدالت و آشتی را از مسیر خود خارج می‌کند و این «فقط عزم سیاسی دولت‌ها را می‌طلبد تا در برداشتن موانع گام نهند و همگام با رشد هنجارهای حقوق بشری حمایت شایسته‌ای را از گروه‌های بشری به عمل آورند» (تازش و زمانی، ۱۴۰۳: ۳۱). در این راستا، مبارزه فعال با ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی از طریق اجرای چهارچوبی از اصول پذیرفته شده ملی و بین‌المللی همانند «اصل پاداش و مجازات»، «اصل مسئولیت» و «اصل عمل متقابل بین حقوق و وظایف در رابطه بین افراد و دولت» می‌تواند در پیشگیری از تهدیدات حقوق بشری ناشی از جرائم سازمان‌یافته مفید به فایده باشد (Bessas & Souiki, 2024: 82).

۵. تمهیدات لازم جهت مقابله با نقض حقوق بشر ناشی از جرایم سازمان‌یافته

با تقویت چهارچوب‌های قانونی، همکاری‌ها و تعاملات بین‌المللی، توانمندسازی سازمانهای مردم نهاد و جوامع و ارائه برنامه‌های توانبخشی و حمایتی تاحدودی می‌توان با نقض قواعد حقوق بشر ناشی از جرائم سازمان‌یافته مقابله نمود. در ادامه موارد فوق‌الذکر بررسی خواهند شد.

۱-۵ تقویت چهارچوب‌های قانونی و اجرای قانون

یکی از روشهای اساسی جهت مقابله با تهدیدات حقوق بشری جرایم سازمان‌یافته، بهبود چهارچوب‌های قانونی و قابلیت‌های اجرای قوانین در سطوح ملی و بین‌المللی است. چنین قوانین جامعی باید شامل جرم‌انگاری فعالیت‌های مجرمانه ناشی از جرایم سازمان‌یافته،

نقض حقوق بشر با رعایت حقوق دادرسی و حمایت از قربانیان و شهود باشد. برای نیل به این مهم، چهارچوب‌های قانونی حاکم بر فعالیت‌های مختلف باید به‌طور منظم بررسی و به‌روزرسانی شوند تا اطمینان حاصل گردد که آنها تهدیدات و آسیب‌پذیری‌های نوظهور مانند جرایم سایبری، قاچاق انسان و فساد را نیز مطمح نظر قرار خواهند داد. علاوه بر این، نهادهای اجرایی ضمن حفظ ارزش‌ها و آموزه‌های حقوق بشر، باید بودجه، آموزش و ساز و کار کافی برای کشف، استیضاح و از بین بردن شبکه‌های جنایی در اختیار داشته باشند. لذا، بهبود و توسعه چهارچوب‌های قانونی و اجرای کارآمد آن می‌تواند تهدیدات حقوق بشری ناشی از جرائم سازمان یافته همانند قاچاق انسان و ... را به حداقل برساند و قربانیان را ذیل برنامه‌های حمایتی اجرایی و حقوقی قرار دهد.

۲-۵ همکاری و مشارکت بین‌المللی

جرائم سازمان یافته غالباً جزء جرائم فراملی بوده و «عموما این جرم در بیش از حوزه یک کشور اتفاق می‌افتد و یا بخش مهمی از مقدمات، برنامه ریزی، هدایت یا کنترل آن در کشور دیگری انجام می‌شود؛ بنابراین بر اساس اصول قانونی بین‌الملل، احترام به حاکمیت کشورها، پیشگیری از اختلافات و تعرض به حریم کشورهای دیگر، اقدامات کشورها در خارج از قلمرو خود، نیازمند هماهنگی بین دولتها می‌باشد که گاهی این تعاملات با امضای اسناد جهانی همچون کنوانسیون پالمو و بر اساس خواست و اراده دولتها، کشورهای امضاکننده را ملزم به همکاری با یکدیگر نموده است و مصوبات کنوانسیون به عنوان مبنای همکاری متقابل دولتها قرار می‌گیرد و گاهی هم تعدادی از دولتها در قالب توافقنامه‌های دو یا چندجانبه با یکدیگر، تعهداتی را در قبال همدیگر می‌پذیرند که به عنوان مثال می‌تواند همکاری‌های پلیسی - قضایی متقابل برای کشف، تحقیقات مقدماتی جرایم، استرداد مجرمین و متهمین تحت تعقیب باشد. البته با جرأت می‌توان گفت که کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با جرایم سازمان یافته مصوب ۲۰۰۰ (معاهده پالمو) انواع کاملی از معاضدتهای متقابل از قبیل جرم انگاری قاچاق انسان، فساد، پولشویی و جرایم علیه عدالت و همچنین معاضدت حقوقی متقابل، تحقیقات مشترک با ایجاد هیئت‌های مشترک تحقیق، استرداد مجرمین، انتقال محکومین، تشکیل سابقه کیفری، احاله دادرسی کیفری، انتقال اموال مصادره شده مرتبط با جرم، معاضدتهای آموزشی و فنی، همکاری در زمینه اجرای قانون و جمع آوری و مبادله و تجزیه و تحلیل اطلاعات جرایم سازمان یافته، اقدامات پیشگیرانه، و حمایت از شهود و قربانی‌های جرم و مسئول سازی اشخاص حقیقی و حقوقی را به کشورهای عضو توصیه نموده است تا از رهگذر این اقدامات، هم افزایی لازم بین دولتها و کشورها ایجاد گردد و از جزیره‌ای عمل نمودن جلوگیری شود تا همه عوامل و مرتبطین با این جرم شناسایی و ریشه این جرم قطع گردد» (نور محمد زاده و دیگران، ۱۴۰۳: ۲۰-۱۹). لذا، مبارزه با جرایم سازمان یافته فراملی و تهدید یا نقض حقوق بشر در حوزه‌های قضایی مختلف نیازمند «مشارکت و همکاری‌های بین‌المللی و توافقات قانونی بین کشورها» (خواجه نورالدینی و دیگران، ۱۴۰۴: ۳۸) است که شامل افزایش همکاری بین نهادهای اجرای قانون، افسران و ضابطان قضایی و همچنین سایر ذینفعان مربوطه در سراسر مرزها در به اشتراک گذاشتن اطلاعات و هماهنگی تحقیقات و همچنین تسهیل استرداد مجرمین و معاضدتهای حقوقی متقابل می‌گردد. تصویب و اجرای معاهدات، کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های بین‌المللی به منظور بهبود همکاری در مبارزه با جرایم سازمان یافته با هدف حفاظت از حقوق بشر و مقابله با نقض این موازین ضروری است. علاوه بر این، نهادهای بین‌المللی مانند اینترپل، یورویل و دفتر مقابله با مواد مخدر و جرائم سازمان ملل متحد، می‌توانند گفتگو، ظرفیت سازی و کمک‌های فنی را برای ارتقای تلاش‌های جهانی با هدف مبارزه با جرایم سازمان یافته ضمن احترام به حقوق بشر تسهیل نمایند.

۳-۵ توانمندسازی جوامع و سازمان‌های مردم نهاد

ایجاد ظرفیت در جامعه و سازمان‌های مردم نهاد برای متوقف کردن نقض حقوق بشر توسط جرایم سازمان یافته، ارتقای تاب‌آوری و انسجام اجتماعی ضروری می‌باشد. جوامعی که تحت تأثیر جرایم سازمان یافته قرار گرفته‌اند باید به طور فعال در فرآیند تصمیم‌گیری، تخصیص منابع و تدوین سیاست برای رسیدگی به علل و نقاط آسیب‌پذیری مشارکت داشته باشند. در این راستا، در کنار دولتها که نقش اصلی را در ارتقای حقوق بشر دارند، سازمان‌های مردم نهادی همچون «سازمان غیردولتی ابتکار جهانی علیه جرائم سازمان یافته» می‌توانند با حساس سازی جامعه و حمایت از قربانیان و در عین حال طرح مسئولیت علیه دولتها و نهادهای تسهیل کننده جرائم سازمان یافته فراملی، نقش مهمی در مقابله با تهدیدات حقوق بشری جرائم سازمان یافته ایفا نمایند. تقویت جوامع و دست اندرکاران در

سازمان‌های مردم نهاد، شبکه‌های اجتماعی را تقویت و باعث رشد اعتماد می‌گردد و اقدام جمعی علیه جرایم سازمان یافته و مصونیت از مجازات را تشویق می‌کند. این سازمان ها نقشی محوری در کشف حقیقت دارند و لذا، باید آنها را توانمند ساخت و مورد حمایت قرار داد به خصوص این که تلاش‌های آنها اغلب دارای هزینه‌های مالی و جانی است.

۴-۵ برنامه‌های حمایتی و توانبخشی برای قربانیان

برنامه‌های جامع حمایتی و توانبخشی برای قربانیان تهدیدات حقوق بشری جرایم سازمان یافته، جهت تقویت روند بهبودی و بازگشت به جامعه ضروری است. خدمات حمایت از قربانیان باید از نظر فرهنگی قابل دسترس، پاسخگو و به گونه‌ای طراحی شوند که مراقبت‌های پزشکی مورد نیاز همانند حمایت روانی-اجتماعی جهت بازگشت قربانیان به جامعه، کمک حقوقی و توانمندسازی اقتصادی را فراهم کنند. بعنوان نمونه، سازمان مردم نهاد ابتکار جهانی علیه جرائم سازمان یافته پیشنهاد نموده است تا دارایی گروه‌های مرتکب جرائم سازمان یافته به نفع دولت مصادره گردد و دولت نیز مکلف است این دارایی‌ها را بعنوان خسارت مادی و معنوی به قربانیان تهدیدات حقوق بشری ناشی از جرائم سازمان یافته هزینه نماید. برنامه‌های توانبخشی باید با هدف بازپایی استقلال، احترام و عزت نفس قربانیان و در عین حال تجزیه و تحلیل منابع و اثرات قربانی شدن آنها باشد. علاوه بر این، انگ اجتماعی و قربانی بودن باید با محافظت از حقوق قربانیان و بهبود شرایط آنها برای مشارکت در فرآیندهای تصمیم‌گیری به چالش کشیده شود.

۶. رعایت اخلاق در کمیته‌های تحقیق علیه جرایم سازمان یافته و حقوق بشر

در انجام تحقیق، رعایت اخلاق از اهمیت شایانی برخوردار است. تضمین محرمانگی، حفاظت از گروه‌های آسیب پذیر و گزارش اخلاق مدارانه یافته‌ها از جمله موارد اخلاقی در انجام تحقیق علیه جرائم سازمان یافته و نقض حقوق بشر می‌باشند که در ادامه بدان‌ها پرداخته خواهد شد.

۱-۶ تضمین محرمانگی و امنیت

محرمانگی و امنیت از مسائل بسیار مهم در پروژه‌های تحقیقاتی هستند، به ویژه هنگامی که مطالعات با موضوعات حساسی مانند تهدیدات حقوق بشری جرایم سازمان یافته سر و کار دارند. محققان باید اطمینان حاصل کنند که اقدامات مناسبی برای محافظت از محرمانگی و یکپارچگی همه شرکت‌کنندگان درگیر، داده‌ها و اطلاعات حساس در طول فرآیند انجام تحقیق انجام شده است. این امر همچنین شامل اخذ رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان و حفظ هویت و اطلاعات فردی آنها در فضای خصوصی در مقابل دسترسی یا انتشار غیرمجاز است. علاوه بر این، محققان باید از ابزارهای ذخیره‌سازی و انتقال ایمن داده‌ها مانند فناوری‌های رمزگذاری شده و کنترل دسترسی استفاده کنند تا اطمینان حاصل شود که نقض یا نشت داده‌ها رخ نمی‌دهد. همچنین، مسائل اخلاقی، چالشی را برای محققان ایجاد می‌کند تا نیاز به شفافیت و پاسخگویی را در مقابل نیاز به محافظت از سوژه‌های تحقیق و همکاران در موقعیت‌هایی که خطرات تلافی جویانه یا آسیب وجود دارد، مورد ارزیابی قرار دهند.

۲-۶ محافظت از گروه‌های آسیب پذیر

هنگام تحقیق در مورد تهدیدات حقوق بشری جرایم سازمان یافته، حفاظت از جمعیت‌های آسیب پذیر به عنوان یکی از اصول مهم اخلاقی باید رعایت شود. فعالیت‌های تحقیقاتی همچنین می‌توانند جمعیت‌های آسیب پذیر مانند قربانیان، بازماندگان و جوامع حاشیه‌نشین را در معرض خطر آسیب، استثمار یا انتقام قرار دهند. شرکت‌کنندگان آسیب پذیر هستند و به همین دلیل، محققان مسئولیت دارند با به حداقل رساندن خطرات و در عین حال تضمین حمایت و حفاظت از طریق مشارکت داوطلبانه بدون اجبار یا نفوذ بی‌مورد، قربانیان را در اولویت قرار دهند. این امر باید شامل ارزیابی دقیق ریسک گردد، به ویژه تنظیم پروتکل‌هایی برای ایمن‌سازی شرکت‌کنندگان آسیب پذیر و ارائه خدمات ارجاعی مانند مشاوره، کمک حقوقی یا هرگونه حمایت دیگری که ممکن است مورد نیاز باشد. محققان همچنین

باید با ذینفعان و مدافعان جامعه همکاری کنند تا فعالیت‌های تحقیقاتی از نظر فرهنگی، مناسب، اخلاقی و حساس به نیازها و منافع گروه‌های آسیب‌پذیر باشد و پیامدهای تهدید حقوق بشر قربانیان ناشی از جرائم سازمان یافته را جبران نماید یا به حداقل برساند.

۳-۶ گزارش‌دهی اخلاقی و انتشار یافته‌ها

گزارش‌دهی و انتشار اخلاقی یافته‌ها، نشان‌دهنده صداقت و پاسخگویی در پژوهش، به‌ویژه در موارد تهدید حقوق بشر توسط جرایم سازمان یافته است. محققان هنگام جمع‌آوری، تجزیه و تحلیل و گزارش یافته‌های پژوهشی، باید اطمینان حاصل کنند که دستورالعمل‌ها و اصول اخلاقی را رعایت می‌کنند تا شفافیت، دقت و انصاف (Volkwein, 2010:160) را در بازنمایی داده‌ها و تفسیرهای آنها تضمین کنند. جنبه‌هایی مانند قرار دادن یافته‌ها در یک بستر اجتماعی-سیاسی و فرهنگی گسترده‌تر، پرداختن به محدودیت‌ها و عدم قطعیت‌ها با عبارات هشداردهنده و خودداری از ایجاد جنجال یا سوءاستفاده از جمعیت‌های آسیب‌پذیر به خاطر تیرهای جنجالی باید مطرح نظر قرار گیرد. علاوه بر این، محققان باید با تلاش جهت ترویج همدلی و گفتگوی سازنده در مورد موضوعات دشوار، پیامدهای بالقوه یافته‌های خود را برای گروه‌های آسیب‌دیده، ذینفعان و مباحث سیاسی مورد بررسی قرار دهند. همچنین، محققان باید با اطمینان از اینکه یافته‌های پژوهشی برای گروه‌های متفاوت هدف مانند سیاست‌گذاران، روشنفکران متخصص و عموم مردم قابل دسترسی است، بدون نقض حقوق محرمانه بودن و حریم خصوصی شرکت‌کنندگان، بر دسترسی آزاد و اشتراک‌گذاری دانش تلاش نمایند. با پیروی از این اصول و راهبردهای اخلاقی، محققان می‌توانند در توسعه دانش، تشویق حقوق بشر و پرورش تغییرات اجتماعی مشارکت داشته باشند و در عین حال بالاترین استانداردهای صداقت، شایستگی و تحسین کرامت انسانی را در دستاوردهای تحقیقاتی خود حفظ و برهم‌کنش بین متغیرهای اجتماعی-اقتصادی، سیاسی و حقوقی را که به تهدید حقوق بشر مانند قاچاق، استثمار و خشونت دامن می‌زند، آشکار نمایند. لذا، پیامدهای شدید ناشی از جرایم سازمان یافته بر افراد، جوامع و اجتماعات بر ضرورت واکنش چندلایه جهت تضمین حمایت از حقوق بشر و عدالت ضروری می‌باشد.

۷. نتیجه‌گیری

جرایم سازمان یافته به عنوان یکی از دشوارترین چالش‌های جهانی واقعیتهای اجتناب‌ناپذیر با پیامدهای شدید است که جامعه بین‌المللی را مجبور به مقابله با آن کرده است. جرائم سازمان یافته با ساختارهای پیچیده جنایی و کثرت فعالیت‌های مجرمانه اش شناخته می‌گردد. بنابراین، به‌روزرسانی و تطبیق قوانین، گامی پیشگیرانه و ضروری برای مبارزه با جرایم سازمان یافته محسوب می‌گردد که با ارائه ابزارهای حقوقی مدرن به سازمان‌های امنیتی و قضایی اجازه می‌دهد تا با روش‌های در حال تکامل این جرم همگام شوند. متأسفانه تعریف جامعی از این جرم وجود ندارد و لذا، گام نخست می‌تواند با تدوین تعریفی جامع از جرایم سازمان یافته که شامل تمام اجزا و ویژگی‌های آن باشد و تصویب قوانینی که تمام فعالیت‌های مجرمانه سازمان یافته مانند قاچاق مواد مخدر، پولشویی و قاچاق انسان را جرم‌انگاری می‌کند و همچنین تصویب قوانین دیگری که امکان مصادره منفعت حاصل از جرایم سازمان یافته و استفاده مجدد از آنها در برنامه‌های مبارزه با جرم را فراهم می‌نماید و همچنین ایجاد سازوکارهایی برای افزایش همکاری بین سازمان‌های امنیتی و قضایی و سایر نهادهای دولتی آغاز گردد.

جرایم سازمان یافته، با دامنه وسیع و اثرات مخرب خود بر جامعه جهانی، تهدیدی جدی برای حقوق بشر و امنیت بین‌المللی محسوب می‌شود. دامنه گسترده جرایم سازمان یافته را نمی‌توان انکار نمود. سازمان‌های جنایی فراملی با مصونیت از مجازات و با انگیزه‌های تجاری که مجهز به فناوری‌های نوین هستند، فعالیت می‌کنند و خشونت، استثمار و تهدید حقوق بشر را تداوم می‌بخشند. باید اذعان نمود کنوانسیون سازمان ملل متحد علیه جرایم سازمان یافته فراملی که برای تقویت عدالت کیفری در مورد جرایم سازمان یافته فراملی طراحی شده است، در صورت عدم تکمیل با قواعد حقوق بشری، موثر نخواهد بود. بنابراین، مبارزه با جرایم سازمان یافته، مستلزم همکاری نهادهای متولی اجرای قانون، مردم و سازمان‌های بین‌المللی و لزوم به کارگیری موازین حقوق بشری در تحلیل پرونده‌های جرایم سازمان یافته است. قواعد حقوق بشری افراد را به عنوان قربانیان بالقوه یا واقعی نقض حقوق بشر (علاوه بر قربانی جرم بودن) ناشی از جرائم سازمان یافته فراملی به رسمیت می‌شناسد و راه‌حلی فراتر از پاسخ‌های سنتی عدالت کیفری را ارائه می‌دهد. جهت مقابله با

تهدیدات حقوق بشری ناشی از جرائم سازمان یافته، ادغام معنادار برنامه‌های پیشگیری از جرائم سازمان یافته و قواعد حقوق بشری و همچنین استفاده از پلتفرم‌هایی جهت تبادل اطلاعات، تحقیقات و تدوین قوانین مشترک و ظرفیت سازی مناسب جهت مبارزه با گسترش جهانی شبکه‌های جنایی جرائم سازمان یافته ضروری می‌باشد. لذا، با تخصیص منابع بیشتر و بهبود سیستم‌های پاسخگویی، کاربرد و اجرای چهارچوب‌های قوانین بین‌المللی فعلی، برنامه‌های متمرکزی برای متلاشی کردن شبکه‌های جرائم سازمان یافته، متوقف کردن فعالیت‌های غیرقانونی و محاکمه مجرمان در عین دفاع از حقوق قربانیان ناشی از تهدید و یا نقض حقوق بشر باید ایجاد شود. حفاظت و توانمندسازی اقشار محروم و آسیب پذیر مثل کودکان، زنان، اقلیت‌های مذهبی و بومی و غیره که جامعه هدف جرائم سازمان یافته هستند، نقش مهمی در جلوگیری از تهدید حقوق این اقشار در مقابل جرائم سازمان یافته ایفا می‌نماید. در همین راستا جهت کاهش آسیب پذیری و مبارزه با نابرابری‌های اجتماعی-اقتصادی، بعنوان تهدید علیه قواعد حقوق بشری توسط جرائم سازمان یافته پیشنهاد می‌گردد که منابعی برای برنامه‌های مبتنی بر اجتماع، فرصت‌های اقتصادی برابر و دسترسی عادلانه به عدالت تخصیص یابد. لذا، با سرمایه گذاری در طرح‌های مطالعاتی در مورد ریشه‌های جرایم سازمان یافته، از جمله فقر، خشونت، بی عدالتی و کمبود فرصت‌ها، با ارائه خدمات حمایتی و برنامه‌های توانمندسازی، حقوق و کرامت انسانی اشخاصی که قربانی جرائم سازمان یافته به سبب نقض یا تهدید حقوق بشر هستند، باید تضمین گردد. همچنین، با گسترش دامنه شمول قوانین کیفری برای مبارزه با جرایم سازمان یافته و توانمندسازی قوانین ملی از طریق معاهدات بین‌المللی برای تعقیب عناصر جنایتکار در آن سوی مرزها با همکاری کشورهای درگیر می‌توان از بی کیفر ماندن جرائم سازمان یافته جلوگیری نمود. لازم به ذکر است که این رویکرد، استثنایی بر اصل سرزمینی بودن حقوق کیفری است و اصل همبستگی بین‌المللی را در مبارزه با جرایم جهانی اعمال می‌کند.

علاوه بر این، در مبارزه با جرایم سازمان یافته برای برقراری صلح و امنیت و عدالت در جامعه بین‌المللی، اصول برابری، عدالت و حقوق بشر باید مورد حمایت و حفاظت قرار گیرند. تمهیدات لازم جهت تقویت چهارچوب‌های قانونی، افزایش ظرفیت‌های اجرای قانون، توسعه و تشویق همکاری و مشارکت بین‌المللی، توانمندسازی جوامع و سازمان‌های مردم نهاد و همچنین کمک‌های جامع به قربانیان و بازماندگان نقض حقوق بشر ضروری می‌باشد تا ریشه‌های جرایم سازمان یافته با حفظ مسئولیت‌پذیری و تلاش برای حفظ معیارها و اصول حقوق بشر در مواجهه با مصونیت کیفری مورد صیانت قرار گیرند. لذا، مقابله با تهدیدات حقوق بشری توسط جرایم سازمان یافته، نیازمند رویکردی همه‌جانبه است تا به علل اساسی بپردازد، نهادها را تقویت کند و جوامع را توانمند سازد.

در همین راستا، می‌توان چنین نتیجه گرفت که ارتقای پاسخگویی، عدالت و کرامت انسانی این امکان را فراهم خواهد آورد تا جهانی عاری از جرایم سازمان یافته ایجاد گردد که در آن حقوق اساسی همگان حفظ شود. لازم به ذکر است که هر چند جرائم سازمان یافته اغلب قواعد حقوق بشر را مورد تهدید قرار می‌دهد، اما مباحث حقوق بشر هیچ گاه به قدرت مخرب جرایم سازمان یافته توجه کافی ننموده است. بعنوان نمونه، در مورد نقش دولت‌ها در جرایم سازمان یافته، با نفوذ فساد در نهادهای سیاسی و اجرای قانون، حاکمیت قانون تضعیف می‌گردد و بستری مناسب برای توسعه جرائم سازمان یافته و نقض حقوق شهروندان ایجاد می‌نماید، لذا دولت‌ها با فساد اداری و اجرایی و تضعیف قانون و عدم حمایت از قربانیان جرائم سازمان یافته می‌توانند عوامل و تسهیل‌کنندگان تهدید و نقض حقوق بشر باشند. لازم به ذکر است که در این موضوع، مطالعات کافی صورت نگرفته است که خود می‌تواند موضوعی برای پژوهش‌های آتی باشد. همچنین، نقش سازمان‌های مردم نهاد در جلوگیری و یا احقاق حق قربانیان تهدید حقوق بشر ناشی از فعالیت‌های مجرمانه سازمان یافته بسیار مهم و کلیدی می‌باشد و لذا با تسهیل فرصت‌های تبادل نظر بین سازمان‌های مردم نهاد و سایر بازیگران بین‌المللی فعال در زمینه مقابله با جرائم سازمان یافته، از جمله متخصصان حقوق بشر و نهادهای آکادمیک؛ بهبود چهارچوب‌های قانونی، همکاری‌های مناسب بین‌المللی و توانمندسازی اقلیت‌ها به منظور مبارزه موفق با جرایم سازمان یافته علیه تهدید قواعد حقوق بشری در دستور کار قرار گیرند.

یکی دیگر از مواردی که می‌تواند جهت مقابله با تهدیدات حقوق بشری ناشی از جرائم سازمان یافته نقش مهمی ایفا نماید، معکوس کردن بار اثبات ادعا در جرائم سازمان می‌باشد. در جرایم سازمان یافته که متضمن فعالیت‌های فوق‌العاده خطرناک هستند و پیامدهای گسترده‌ای دارند، تعدیل پیش‌فرض‌های قانونی استاندارد برای محافظت بهتر از منافع اجتماعی ضروری است. به طور سنتی، اصل بر برائت است. این اصل در ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر درج شده است و در قوانین بین‌المللی و ملی از جمله اصل ۳۷ قانون اساسی

ایران نیز مطمح نظر قرار گرفته است و به این معنی است که متهم تا زمانی که جرمش ثابت نشده، بی‌گناه محسوب می‌گردد. این استاندارد ایجاب می‌کند که بار اثبات بر عهده دادستان باشد و به متهم حق سکوت داده شود و هرگونه ابهام در شواهد به نفع او تفسیر گردد. با وجود این و با توجه به تأثیر شدید و ماهیت پنهان جرایم سازمان‌یافته به ویژه در نقض قواعد حقوق بشری، اغلب منطقی است که این فرض را برای موارد خاص مرتبط با جرایم سازمان‌یافته معکوس نمود. این به معنای گناهکار دانستن متهم به تهدید حقوق بشر ناشی از جرائم سازمان‌یافته تا زمان اثبات بی‌گناهی او می‌باشد و در نتیجه بار اثبات را بر دوش متهم قرار می‌دهد. این تغییر مستلزم آن است که متهم، خود بی‌گناهی‌اش را اثبات کند. در همین راستا، پرداختن به تهدیدات حقوق بشری ناشی از جرایم سازمان‌یافته در مقیاس بین‌المللی مستلزم ایجاد هنجارهای جدید صلاحیت قضایی فراسرزمینی و چهارچوب‌های تقویت‌شده جهت همکاری جهانی در ابعاد قانونگذاری، قضایی و امنیتی است. لذا، مبارزه مؤثر با جرایم سازمان‌یافته، همکاری بین‌المللی فعال مبتنی بر همکاری واقعی و قوی بین ملت‌ها را ایجاب می‌کند.

منابع

- تازش، شادی؛ زمانی، سید قاسم (۱۴۰۳). ارزیابی اعتبار مفهوم ژنوسید در زمان: نگاهی جامعه شناختی. *دوفصلنامه حکمت اسلامی و حقوق*. ۱ (۱)، ۴۶-۲۴.
- خواجه نورالدینی، رضا و دیگران (۱۴۰۴). چالش‌های فناوری و حقوقی در کنترل سایبری پهنپایانها. *فصلنامه دستاوردهای نوین در حقوق عمومی*. ۴ (۱۳)، ۴۴-۳۳.
- سبحانی، حسین (۱۴۰۴). رویکرد ریسک پایه ناظر بر عوائد مجرمانه در پرتو مطالعه تطبیقی و استانداردهای FATF. *مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*. ۱۷ (۱)، ۲۰۰-۱۵۷.
- نورمحمد زاده، علی و دیگران (۱۴۰۳). جرم یابی قاچاق انسان به عنوان یک جرم سازمان یافته. *فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های امنیت داخلی*. ۲ (۶)، ۳۹-۷.

Bessas, M. & Souiki, H. (2024). Updating & harmonizing legislation: a proactive atep in combating transnational organized crime. *International Journal of Law and World*. 10 (2), 75-86.

Currie, R. J. & Douglas, S. (2021). *Human Rights and Transnational Organized Crime*, In Felia Allum & Stan Gilmore. Routledge :Handbook of Transnational Organized Crime.

The Global Initiative Against Transnational Organized Crime (GI-TOC) (2020). Geneva.

Khajeh Nouredini, R. et al (2025). Technological and legal challenges in cyber control of drones. *New Quarterly Journals in Public Law*. 4 (13), 44-33.

Kirchschlaeger, P. G., (2020). Human dignity and human rights: Fostering and protecting pluralism and particularity. *Interdisciplinary Journal for Religion and Transformation in Contemporary Society*. 6, 90-106.

Jayashri, S. (2007). Perfect victims and real survivors: The iconic victim in domestic human trafficking, *University Law Review*. Boston University. School of Law. 87 (1), 157-211.

Laplanche, L.J. (2008). Transitional justice and peace building: Diagnosing and addressing the socioeconomic roots of violence through a human rights framework. *International Journal of Transitional Justice*. 2 (3), 331-355.

Noormohammadzadeh, Ali et al (2024). Criminalization of human trafficking as an organized crime. *Quarterly Journal of Internal Security Studies and Research*. 2 (6), 7-39.

Obokata, T. (2006). Trafficking of human beings as a human rights violation: Obligations and accountability of states. Obokata, T. (ed.). *Trafficking of Human Beings from a Human Rights Perspective: Towards a Holistic Approach*. Leiden: Martinus Nijhoff Publishers.

Sobhani, H. (2025). Risk-based approach to criminal proceeds in light of comparative study and FATF standards. *Legal Studies of Shiraz University*. 17 (1), 200-157.

Tazesh, Sh. & Zamani, S. Gh. (2024). The validity of the concept of genocide in time: a sociological perspective. *Journal of Islamic Wisdom and Law*. 1 (1), 46-24.

United Nations Convention against Transnational Organized Crime (UNTOC called the Palermo Convention) (2000). Palermo.

Volkwein, J.F. (2010). Reporting research results effectively. *New Directions for Institutional Research*. 1, 155 – 163.

Wright, D.; Garstka, k. & Kumar, R. (2021). Rising to the proliferation of cybercrime challenging law enforcement agencies across Europe. *European Law Enforcement Research Bulletin*. 21, 81-98.